

مسأله‌ی تحریفات

اشاره

جویبار یا رودخانه‌ای که از سرچشمه‌ی پاک، ناب و خالص جریان می‌یابد چون به سوی دشت و صحرا جاری می‌شود. صفا، طراوت و برکت به ارمغان می‌آورد و مزارع و باغات را سیراب می‌سازد و آدمیان و سایر موجودات را بهره‌مند می‌نماید. اما اگر این رودخانه طغیان کند و حالت سیلابی به خود گیرد نه تنها دیگر مزایای مزبور را در بر ندارد که موجب تخریب و ویرانی است. حقایق مسلم تاریخی و خصوصاً واقعیت‌هایی که مربوط به حوادث سازنده، رشد دهنده و انسان ساز هستند تا زمانی که دچار دگرگونی نشده‌اند همچون چشمه‌ها و جویبارها صفابخش و پُر بار و حرکت آفرین خواهند بود، اما اگر گرفتار آفت‌هایی چون تحریف شوند

غلامرضا کلی زواره

از مقاصد عالی، اهداف والا و نورانی خویش دور افتاده و خاصیت اصلی خویش را از دست می‌دهند.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾^(۱) «کلمات را از مورد خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آنان گوشزد شده بود فراموش کردند». در جای دیگر این کلام آسمانی می‌خوانیم، ﴿وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرِفُونَهُ مِمَّن بَعْدَ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^(۲) «گروهی از ایشان کلام خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند!

معنای تحریف

وقتی سخنی از معنای اصلی

منحرف شود به وجهی که مقصد اساسی خود را از دست بدهد و از وضع واقعی و حقیقی به شکلی دیگر درآید می‌گویند در آن تحریف صورت گرفته که در این صورت هدف آن کلام فدای این دگرگونی منفی و مغرضانه خواهد شد، گاهی در الفاظ و ظاهر قضایا تحریفی صورت می‌گیرد و در مواقعی در محتوا، پیام و هدف یک برنامه‌ای تحریف واقع می‌شود که نوع دوم از حالت اول خطرناکتر و پیچیده‌تر است و اصلاح در این مورد مشکل‌تر خواهد بود. متأسفانه در فصولی از تاریخ اسلام تحریفاتی رخ داده که سیمای حوادث راستین و وقایع حقیقی را عوض کرده و کار محققان را دشوار ساخته است. این حرکت یا به وسیله‌ی طرفداران و حامیان جاهل و یا مخالفان کینه‌توز رخ داده است. در خصوص نهضت مقدس و شکوهمند حضرت امام حسین علیه السلام باید خاطر نشان ساخت که دشمنان نتوانسته‌اند در آن تحریفی پدید آورند و این قیام به قدری صریح، روشن، مقدس و غیر قابل انتقاد بود که حتی بسیاری از مخالفان در برابرش سر تعظیم فرود آورده و آن را

ستوده‌اند. ولی با کمال تأسف از سوی طرفداران جاهل مطالبی بی‌اساس وارد متون این بخش از تاریخ شیعه شده است.

حماسه حسینی چون خورشیدی عالمتاب بر همه‌ی جهان درخشندگی و فروزندگی دارد و در شرایط ظلمانی شعله‌ای ایجاد کرد و فریاد عدالتی در تیرگی ستم بود که حیات تازه‌ای در عالم اسلام به وجود آورد و معرفتی عالی و بینشی نیرومند در آن نهفته است. و مرثیه‌ها و روضه‌ها باید بیشتر این جنبه‌ها را مورد بررسی قرار دهند و محاسن حماسی این نهضت را مطرح کنند و پرداختن به چنین ابعادی از قیام عاشورا، از روی آوردن به تحریفات می‌کاهد نباید آنقدر افسانه، خرافه و مطالب دروغ به این حرکت مقدس ملحق کرد که عظمت و افتخار و الهام بخشی و اثر تربیتی آن را تیره و تار کند و چنین شکوهی را مخدوش نماید، تکیه بر خطبه‌های امام و اهل بیت که ایراد نموده و نیز روضه خواندن از روی بیاناتی که آن حضرت در پاسخ به افراد در مسیر مدینه تا کربلا فرموده‌اند و نیز بر اساس

رجزهایی که آن امام بزرگوار و اصحابش در روز عاشورا در مقابل دشمن خوانده‌اند و در کتب معتبر ثبت و ضبط شده و از روی نامه‌هایی که بین امام و مردم کوفه و بصره رد و بدل شده و در منابع مستند ضبط است از مواردی است که تاریخ این قیام را پرحرارت و پرتابش نگه می‌دارد، باید توجه داشت که این جنبش با هاله‌ای از قداست آمیخته است و باید برای معرفی آن از ابزارهای درست، سخن پاک و مضامین عالی بهره گرفت و غافل شدن از این واقعیت و گریستن را هدف دانستن، فرهنگ تحریفی را ترویج می‌کند، شهید مطهری علیه السلام می‌گوید: «... قهراً برای این که مردم بیشتر گریه کنند... روضه‌های دروغ جعل شد مردم ما هم به روضه‌های خیلی داغ و پرحاشیه عادت کرده‌اند و این خود عاملی شده که اجباراً عده‌ای از اهل منبر برای این که مردم گریه کنند... روضه‌های ضعیف می‌خوانند...»^(۳).

هدف نهضت: مبارزه با تحریف

حضرت امام حسین علیه السلام در قیام پرشکوه خود در صدد برآمد تا چهره‌ی

واقعی آیین محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام ناب را به جهانیان معرفی کند و پیام معنوی قرآن را به تشنگان معارف برساند و از فرهنگ دینی غبارزدایی کند.

در این قیام عامل امر به معروف و نهی از منکر برجسته‌تر است چنان که امام حسین علیه السلام در وصیت به برادر خود محمد حنفیه فرموده‌اند: قیام من برای اصلاح امت جدم می‌باشد، می‌خواهم امر به معروف کنم و نهی از منکر نمایم و به سیره و سنت جدّ و آیین پدرم - حضرت علی علیه السلام - رفتار کنم^(۴).

در حقیقت امام حسین علیه السلام برای مبارزه با تحریف‌ها قیام فرمود زیرا احساس نمود در دستگاه خلافت اسلامی انحراف شدیدی رخ نموده و این اعوجاج در شئون سیاسی اجتماعی مسلمین رخنه کرده و آنان را از رسیدن به چشمه پاک و پربهره‌ی توحید و رستگاری باز داشته است و برای زنده ماندن دین و بقای امت اسلامی راهی جز فداکاری و شهادت نمی‌باشد و گویی باید عبارت ان الله شاء ان يراك قتيلاً تحقق پذیرد^(۵).

البته برخی خواسته‌اند یک تحریف

تاریخی در این قیام ایجاد کنند و چنین تبلیغ نمایند که فراخوانی کوفیان هدف اساسی قیام کربلاست در حالی که دعوت کوفیان از موارد جزئی و فرعی این قیام است و خطبه‌های حماسی و پرشور امام بعد از شکست کوفه بیانگر این واقعیت می‌باشد شهید مطهری از این موضوع دچار شگفتی می‌شود که برخی خواسته‌اند حماسه‌ی کربلا را به نحوی ثابت کنند که مردم کوفه واقعاً دارای قدرتی بودند و می‌شد به آنان اعتماد کرد در صورتی که عظمت قیام حسینی در این است که آن حضرت بدون اتکا به قدرت‌های سیاسی اجتماعی آن روز برپا خاست و اثر روحی این حرکت در حدی بود که نه تنها مردمان آن زمان را به تحرک واداشت بلکه اثراتش همچنان باقی و پابرجاست^(۶). آن متفکر شهید در جای دیگر خاطر نشان می‌سازد:

«... نه چنان بود که بعد از دعوت مردم کوفه امام قیام کند بلکه بعد از این که امام حرکت کرد و مخالفت خود را نشان داد و مردم کوفه از قیام امام مطلع شدند و چون زمینه‌ی نسبتاً آماده‌ای در

آنجا وجود داشت مردم کوفه گرد هم آمدند و امام را دعوت کردند...»^(۷) اگر دعوت کوفیان عامل اصلی نهضت بود امام می‌بایست در این حرکت احتیاط بیشتری می‌نمود و تذکرات برخی ناصحان چون عبدالله ابن عباس را مورد توجه قرار می‌داد.

عوامل تحریف

امویان کوشیدند تا نهضت حسینی را از سرچشمه‌ی اصلی قیام جدا کرده و آن را بر بستر دیگر قرار دهند و این چنین وانمود کنند که حرکت مزبور نوعی ایجاد اختلاف و تشتت در بین مسلمین بود، دشمنان کوردل و شب‌پرستان خفایش صفت می‌خواستند این حماسه‌ی پرشکوه و سراسر مقدس را در حد یک آشوب سیاسی ناحیه‌ای تنزل دهند و به همین دلیل چون مسلم بن عقیل نماینده و شخص مورد وثوق امام وارد کوفه شد، یزید به حاکم وقت - ابن زیاد - نوشت فرزند عقیل می‌خواهد به اخلال و فساد دست زند و بذره‌های تفرقه بپاشد و فرزند زیاد چون نایب امام - مسلم را - دستگیر کرد خطاب به وی

گفت: چه شد که به این شهر آمدی تا آشوب برپا کنی، مسلم در جواب گفت: بر حسب دعوت و نامه‌های متعدد کوفیان آمده‌ام و ما خواهان برقراری عدالت هستیم.

به رغم آن که دشمنان نتوانستند این حماسه را کم رنگ سازند عواملی دست به دست هم داد تا منابع مستند تاریخ کربلا توسط عده‌ای نادان مورد خدشه قرار گیرد. از جمله:

۱- تمایل به اسطوره سازی

الگو بر خلاف اسطوره، مجموعه‌ای از باورهای ایمانی و معارف اعتقادی انسان است که در عرصه‌ی عمل در سیمای انبیاء و اولیاء نمایان می‌گردد و در سیره‌ی چنین افرادی نباید تحریف واقع شود. و روا نیست جنبه‌های افسانه‌ای که حس اسطوره‌ای را در اذهان ایجاد می‌کند به شرح حال و چگونگی نهضت افراد مقدس وارد شود. به فرمایش شهید مطهری: «افرادی که شخصیت آن‌ها، شخصیت پیشوایی است، قول آن‌ها عمل آن‌ها، نهضت آن‌ها سند و حجت است نباید در سخنانشان، در شخصیت‌شان تحریف

واقع شود. قسمتی از تحریفات که در حادثه کربلا صورت گرفته معلول حس اسطوره‌سازی است.»^(۸)

حضرت آیه الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، فرموده‌اند: جعل مطالب زاید و افزودن آن بر قصه‌ی اصلی و نسبت دادن آن به صاحب قصه در قصه معصومین علیهم‌السلام کذب و افترا و حرام است.^(۹)

۲- گریه بر امام حسین علیه‌السلام و

توجیه وسایل باطل

برخی تصور کرده‌اند چون می‌خواهیم بر سالار شهیدان بگرییم و این برنامه مقصد والایی است پس می‌شود از هر وسیله‌ای که به آن کمک کند، بهره گرفت. اگر چه با جعل و تحریف توأم باشد. این واقعاً فکر مسموم و پرافتی است که اگر کاری با ظاهری مذهبی بروز کرد و دارای ثوابی بود، دیگر اشکالی ندارد در مسیر آن به هر حرکتی دست یازیم، اگر چه دین و مبلغان راستین آن از این کار بیزار باشند و حضرت ابا عبدالله علیه‌السلام هم از بابت آن در فشار باشد و خاطر مبارک آن امام همام برنجد. بزرگان دین و علمای شیعه با آن

که خودشایستگی تربیت و تعلیم دیگران را داشتند باز دین و عقاید و افکار خویش را بر امام عصر خود عرضه می‌داشتند تا مبادا به نام دین به چیزی بر خلاف آن معتقد باشند یا به حساب دین، کاری را در جهت معارض آن انجام دهند^(۱۰).

۳- مراجعه به منابع مخدوش و

تکیه بر مضامین جعلی

منابعی که از تاریخ عاشورا حکایت دارند، باید چندین مشخصه را داشته باشند، در غیر این صورت آمیخته به جعل و تحریفند و استناد به آن‌ها مشکلاتی را به بار می‌آورد و اهداف این نهضت را تحریف می‌کند، در وهله‌ی اول چون این مطالب به منابع اصیل قرآنی و روایی عرضه می‌گردند نباید رنگ ببازند و یا با آن‌ها در تعارض باشند همچنین مسایلی را که مطرح می‌کنند باید در شأن و مقام حضرت امام حسین علیه السلام به عنوان فروغ امامت، ستاره‌ی درخشان آسمان ولایت و هادی انسان‌ها و نگهبان معارف الهی باشد، نکته‌ی دیگر این که در بررسی این متون تطبیق آن‌ها با عقل سلیم و منطوق کار لازمی است که

اگر خرد ناب و درک عالی انسانی قبول آن‌ها را مورد تأمل قرار داد باید از نقلشان امتناع کرد. اگر انسان هر چه را می‌خواند و می‌شنود باور کند و برای دیگران بازگو کند بدترین جهالت را مرتکب شده است. مراجعه‌کننده‌ی به کتب مقاتل به مصداق «کونوا نقاد الکلام»

باید این متن‌ها را با ارزیابی درست و ارزشیابی منطقی و اصولی مورد بررسی قرار دهد و از میان آن‌ها مطالبی را مورد گزینش قرار دهد که معارف و اندیشه افراد را ارتقا دهد، روح شنوندگان و عزاداران را به حماسه‌ی کربلا پیوند دهد و دل‌ها را به اهتزاز درآورد. شهید مطهری رحمته الله علیه می‌گوید: «... اگر در آن مسیر صحیح با بیان حقایق و واقعیات بدون آن که روضه‌ی دروغی خوانده شود، بدون آن که جعلی شود، بدون آن که تحریفی شود... اگر اشکی از روی صداقت و حقیقت ریخت، شور و واویلا به پاشد مجلس هم کربلا شد، بسیار خوب است...»^(۱۱) روی آوردن به منابع مخدوش چون روضة الشهداء ملا آقا حسین کاشفی، اسرار الشهادة ملا آقا دربندی و دخالت دادن فرهنگ‌های

قبل از اسلام همچون سوگ سیاوش و غیره در وقایع کربلا و مانند آن می‌تواند از زمینه‌های تحریف باشد. همچنین رسوخ برخی سنت‌های بومی و شیوه‌های قومی و محلی که به عنوان آداب و رسوم اقوام و قبایل مطرح هستند در برخی حوادث عاشورا این نهضت را آفت زده می‌کند، کما این که فرهنگ حکام و سلاطین چون به مرثیه‌ها رسوخ یافت اعتبار آن را کم کرد.

نمونه‌هایی از تحریفات لفظی

۱- در برخی کتب مقتل که متأسفانه هنوز هم از آن‌ها استفاده می‌شود و در روضه‌ها به آن‌ها استناد می‌کنند برای ذریه‌ی امام دخترانی بافته، یا دخترانی را در مدینه گذاشته و برخی را شوهر داده و گروهی را از فرط تشنگی هلاک کرده و عده‌ای را شهید نموده‌اند و آمار مخالفان را به شکل اغراق آمیز نقل کرده و به ذکر وقایعی پرداخته‌اند که در این قیام رخ نداده است.

۲- تأکید بر این که علی اکبر نوجوانی هیچ‌ده ساله و ناکام بوده و

آرزوی داماد شدن داشته و پدرش از بابت این که برایش همسری برنگزیده ناراحت است، در حالی که علی اکبر در شعبان سال سی و سوم هجری به دنیا آمده و در کربلا بیست و هشت سال سن داشته و عبارت ثمانیة و عشرين تحریف و تصحیف به ثمانیة عشر شده و علامه مقرر ثابت کرده که علی اکبر در کربلا از برادرش امام سجاد علیه السلام بزرگتر بوده است ^(۱۲). همچنین برخی مطرح کرده‌اند که حضرت امام حسین علیه السلام از به میدان رفتن علی اکبر اکراه داشت و این تحریف در کتاب روضة الشهداءی کاشفی دیده می‌شود ولی شیخ مفید و سید بن طاووس خاطر نشان ساخته‌اند وقتی آن جوان خواست به نبرد با اشقیاء برود، امام بدون درنگ به وی اذن داد ^(۱۳). برخوردارهای احساسی و بسیار عاطفی بین علی اکبر و مادرش ام لیلی فاقد اعتبار تاریخی است و علامه مقرر اظهار می‌دارد؛ ام لیلی در کربلا نبوده و قبل از حادثه عاشورا وفات یافت.

۳- طبق برخی نقل‌های نادرست و

تحریف شده امام حسین علیه السلام فرزند بیست و هشت ساله خود را داماد نکرده

اما در بحبوحه‌ی حوادث کربلا که به دلیل شدت ناملايمات ناگزير می‌شود نماز خوف بخواند مصمم می‌گردد دخترش فاطمه را به عقد ازدواج قاسم سیزده ساله درآورد. علامه مجلسی می‌گوید: قصه‌ی دامادی قاسم را در کتب معتبر ندیده‌ام^(۱۴) و محدث نوری آن را از اخبار وهن انگیز می‌داند^(۱۵). محدث قمی هم این ماجرا را مخدوش می‌داند^(۱۶).

۴ - به حضرت مسلم بن عقیل نسبت داده‌اند که هنگام حرکت به سوی کوفه، کشته شدن صیدی را به دست صیادی علامت بدشگونی سفر دانسته و از این جهت واهمه به دل راه می‌دهد. اولاً نایب و مورد وثوق امام نمی‌تواند از یک حادثه جزئی نگران شود و نسبت دادن دروغی این گونه به مسلم بدان معنا است که العیاذ باللّه او از تعالیم اسلامی آگاهی ندارد، گذشته از آن حضرت رسول ﷺ امت خویش را از فال بد برحذر داشته و این کار را معادل شرک دانسته است و حضرت مسلم به هیچ عنوان این سخن رسول خدا ﷺ را فراموش نکرده و آویزه‌ی گوشش بوده و

نمی‌توان باور کرد که چنین شخصیتی به یک رسم جاهلی موهوم که با سیره‌ی خاندان عصمت مغایرت دارد عمل کند^(۱۷).

۵ - حضرت امام سجاد^{علیه السلام} که به ضوّر گوناگون می‌کوشید تا برخلاف موقعیت‌های خفقان‌زا خاطرات عاشورا، شهادت و روح حماسه حسینی را زنده نگه دارد و با آن موقعیت اجتماعی همه‌ی دیده‌ها را به سوی سیمای پرمهابت خود متوجه کند و آن‌گاه اشکی داغ‌تر از آتش را بر گونه‌ها جاری سازد تا مردم در تبلور آن قطره‌های اشک عاشورا را تداعی کنند در برخی روضه‌ها و مرثیه‌ها و اشعار نمایش‌های تعزیه به صورت انسانی بیمار و ناتوان معرفی می‌شود و نیز نقل می‌کنند که وقتی برای امام حسین^{علیه السلام} یاوری باقی نماند و آن حضرت برای وداع به خیمه امام سجاد^{علیه السلام} رسید امام چهارم اظهار داشت: پدر جان کار شما با این مخالفان به کجا کشیده؟ گویی بر اساس این نقل دروغ و تحریفی، آن ستاره‌ی تابناک امامت از اوضاع کربلا و حوادث آن کاملاً بی‌خبر است! از اتفاق، یکی از منابع

مستند و منور که ناظر واقعه کربلا بوده و این رویداد را دقیق و با ذکر جزئیات ذکر کرده امام سجاد علیه السلام است.

۶- ماجرای فاطمه‌ی صغری که در مدینه مانده است و توسط مرغی از ماجرای کربلا باخبر می‌شود و پس از آن که می‌فهمد پدر و برادرانش در حادثه‌ی نینوا کشته شده‌اند بی‌تابی می‌کند و بر اثر ناله‌های زیاد جان به جان آفرین تسلیم می‌کند. نیز در کتب معتبر نیامده است.

۷- حکایت سلطان قیس که در هندوستان و به هنگام شکار مورد هجوم شیری قرار می‌گیرد و چون این فرد نصرانی امام حسین علیه السلام را به امداد می‌طلبد آن حضرت در بحبوحه جنگ با اشقیا موقتاً از نبرد دست برمی‌دارد و وی را از گزند شیر نجات می‌دهد و در ادامه فرد مزبور اسلام می‌آورد. این ماجرا نیز جزو اکاذیب است.

۸- داستان دختری یهودی که فلج بود و قطره‌ای از خون امام حسین علیه السلام به وسیله‌ی مرغی به بدنش چکید و بر اثر آن بهبود یافت نیز از افزوده‌های بعدی است.

۹- حکایت شیر و فزه: که به توصیه‌ی حضرت زینب س فزه کنیز حضرت زهرا س شیری را می‌آورد تا از ابدان مطهر شهدا حفاظت کند، فاقد اعتبار است.

۱۰- ماجرای پیرزنی که در زمان متوکل می‌خواست به زیارت امام حسین علیه السلام برود که توسط عاملان متوکل عباسی دستگیر و به دریا افکنده می‌شود و بعد حضرت عباس علیه السلام او را نجات می‌دهد، ماجرای پدید آمدن این ماجرای سراسر دروغ را آیه‌ی الله حاج شیخ محمد حسین عالم نجف آبادی برای شهید مطهری نقل کرده است ^(۱۸).

تحریفات معنوی و محتوایی

۱- یکی از تحریفات معنوی این است که حضرت امام حسین علیه السلام به شهادت رسید تا امت گناهکار را نجات دهد. که با این برنامه هدف مقدس آن حضرت ناتمام جلوه داده شده است و چنین برداشتی از شفاعت به راستی موجبات انحطاط جامعه را پدید می‌آورد و با مبانی اعتقادی شیعه و فرهنگ ائمه در تباین است، این طرز فکر که شاید

مورد پسند عوام باشد درست ضد هدف راستین امام است زیرا او نهضت خود را برای این منظور ترتیب داد تا مردم از خداوند ترس داشته باشند و از روی آوردن به گناه و معاصی برحذر باشند و به فرائض دینی توجه افزونتری کنند و روحیه‌ی تقوا در آن‌ها احیا شود، مرحوم آیتی می‌گوید: هیچ امکان پذیر نیست که کسی با دوری از خدا به امام حسین علیه السلام نزدیک شود و با خشم پروردگار امام را خشنود سازد و سهمی از معصیت را برای امام کنار بگذارد تا خدا نتواند از وی بازخواست کند^(۱۹)، شهید مطهری رحمته الله مخالف این باور غلط است و خاطر نشان می‌سازد گناه وقتی بخشیده می‌شود که روح انسان با معنویت امام پیوند بخورد^(۲۰). و در جای دیگر فرموده‌اند: «همان چرندی را که مسیحیت در مورد مسیح گفتند در مورد حسین علیه السلام گفتند، گفتند: که حسین کشته شد برای آن که بار گناه امت را به دوش بگیرد^(۲۱)». آن متفکر افزوده است اگر کسی در ماه رمضان روزه‌دار باشد و چنین سخنی بر زبان آورد روزه‌اش باطل است^(۲۲). به نظر شهید مطهری رحمته الله این

چنین تصویری از شفاعت شرک در ربوبیت است و برای امام حسین علیه السلام نوعی اهانت به شمار می‌رود^(۲۳).

۲- القای این تفکر باطل که امام حسین علیه السلام دستگاه جداگانه‌ای در برابر ترازوی عدل الهی دارد و در پیشگاه خداوند اعمال صالح، عبادات خالص و رفتارهای نیک و حسنات مقبول است ولی نزد آن امام تنها گریه، ناله و بر سر و سینه زدن مورد قبول می‌باشد و در این دستگاه خیلی راحت‌تر از تشکیلات الهی می‌توان بهشت را به دست آورد و از آتش دوزخ رهساری یافت. البته آن چشمی که برای ابا عبدالله و یارانش نگرید و آن قلبی که نسوزد، چشم و قلب بشر نمی‌باشد اما این سخن با آن تحریفات فرق می‌کند که می‌گویند سؤمین فروغ امامت شهادت را برگزید تا مردم در مجالس حسینی شرکت یابند و بگیرند و آمرزیده شوند بدون آن که سیره‌ی آن امام و توصیه‌های آن پیشوا را چراغ راه خویش قرار دهند.

۳- عده‌ای چنین عنوان می‌کنند که حماسه‌ی عاشورا بطور جبری و حادثه‌ای محتوم روی داده است، اگر این

عقیده‌ی باطل را بپذیریم العیاذ باللّه امام و یارانش را از هر گونه اراده، اختیار و تصمیم‌گیری سلب کرده‌ایم و اعتقاد به این تفکر موهوم با قرآن و فرهنگ اهل بیت مغایرت دارد به علاوه چنین تخطئه‌ای در اصل مهم و حیاتی قضا و قدر نوعی انحطاط فکری و عقیدتی به بار می‌آورد.

۴ - نکته‌ای که متأسفانه در اغلب مرثیه‌ها دیده می‌شود این است که از زبان امام و یارانش رویداد کربلا و مصائب عاشورا به چرخ و فلک نسبت داده می‌شود و به عنوان زبان حال پیشوایی پاک و معصوم و مطیع اوامر الهی به روزگار و افلاک دشنام داده می‌شود در حالی که در روایات بسیاری از این حرکت نهی شده و اگر این اعتراض حاکی از اعتقاد به عامل مؤثر در سرنوشت انسان و در عرض اراده الهی باشد نوعی ثنویت و دوگانه‌پرستی به شمار می‌رود و خود از مظاهر شرک است و تفکر دهریون را در اذهان تداعی می‌کند، گذشته از آن اعتقاد به تأثیر ستارگان و افلاک در سرنوشت آدمیان در فقه اسلامی حرام است و باید دانست که امام

معصوم می‌تواند به اذن خداوند ولایت تکوینی داشته باشد و در مخلوقات دخل و تصرف کند و فلک نمی‌تواند برای آن وجود مبارک سرنوشت مشخص کند.

۵ - حضرت امام حسین علیه السلام با قیام خود مکتب عملی برای اسلام پدید آورد تا مسلمین و آزادگان با تاسی از او برای اصلاح امور جامعه و ترویج حسنات و محو منکرات اهتمام ورزند اما گروهی می‌گویند دلیل قیام امام حسین علیه السلام یک دستور خصوصی بود و طبق یک توصیه‌ی غیبی باید کشته می‌شد اگر این گونه باشد دیگر این قیام اثرات تربیتی و سازنده‌ای بر جامعه ندارد و قابل پیروی نیست و نقش الگودهی آن از بین می‌رود و نهضت امام از حوزه‌ی عمل بشری قابل اقتدا و اقتفا خارج شده و از زمین به آسمانی غیر قابل دسترس می‌رود. شهید مطهری می‌گوید: این تحریف معنوی نهضت امام را از حالت مکتبی بودن خارج می‌کند ^(۲۴) و دیگر الهام بخش آدمیان نخواهد بود ^(۲۵).

۶ - ائمه‌ی اطهار علیهم السلام تأکید فرموده‌اند که نهضت امام حسین علیه السلام باید زنده بماند و فراموش نشود و توصیه

کرده‌اند مردم برای آن حضرت بگیرند و عزاداری کنند تا هم نهضت عاشورا حفظ شود و هم آنان در پرتو این مجالس و سوگواری‌ها به رشد معنوی و سازندگی ایمانی برسند و بر اثر همراهی عاطفی با حماسه عاشورا به معرفت عاشورائیان نزدیک شوند و از این چراغ هدایت نور بگیرند و با کشتی نجات از توفان حوادث آسان بگذرند. ولی گروهی این هدف را مسخ کرده و گفته‌اند: این گریه تسلی خاطر برای حضرت زهراست در حالی که امام حسین علیه السلام با شهادت خویش به مادرش زهرا(س) پیوست و آن دو انسان والا از هم جدا نیستند که حضرت فاطمه(س) در فراق این ماجرا ناراحت باشد و احتیاج به تسلی داشته باشد البته حضرت زهرا بسیار شادمان می‌شود که مردم با یاد حسین علیه السلام و زنده نگه داشتن راه او به سعادت برسند و در همان مسیری حرکت کنند که فرزندش پیمود. شهید مطهری این تحریف را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد و می‌فرماید با چنین تصویری ما مقام آن بزرگان را که آرزوی شهادت داشته‌اند تنزل داده‌ایم ^(۲۶).

۷ - حضرت امام حسین علیه السلام با فداکاری کم نظیر خود موجی ایجاد کرد که برای قرون متمادی ستمگران را به هراس واداشت و دشمنان دین را لرزاند و نامش با شجاعت، معنویت و ایثار و عدالت توأم می‌باشد، او در حد بسیار عالی برای اعتلای اسلام خون خویش را داد و چشمه‌ی حقیقت را جاری ساخت و به قطره‌های خون خود ارزش داد اما عده‌ای این گونه می‌نگرند که امام حسین علیه السلام توسط دشمنان نفله شد و بدون این که تقصیری داشته باشد توسط ستمکاران کشته شد و از این جهت باید برایش متأثر بود و گریست، شهید مطهری این تصور باطل را مورد انتقاد قرار داده ^(۲۷) و مرحوم آیتی می‌گوید: این گونه نیست که امام از روی بیچارگی تن به شهادت بدهد، این طور نبود و گوینده یا نویسنده این سخن هر که باشد سخنش سست و بی‌اساس است و اگر این گونه بود کجا دنیا می‌توانست روی این قیام مقدس حساب کند ^(۲۸).

۸ - هر گونه تاریخ یا مقتل یا گزارش یا مضمون شعری که حاکی از ذلت پذیری و خواهش امام حسین و یاران و

خاندانش در مقابل دشمن باشد دروغ و تحریف و غیر قابل قبول است:

از آستان همت ما ذلت است دور

واندر گنم غیرت ما نیستش ورود
پس این که در برخی روضه‌ها یا مرثیه‌ها به شنونده یا خواننده القا می‌شود که امام برای به دست آوردن آب به دشمن التماس کرد با سیره‌ی امام مغایرت دارد و این که امام به عنوان شخصیتی والا مقام آن هم در سنین بزرگسالی (۵۷ سالگی) از غربت و تنهایی بنالد و مادر خود را صدا بزند که به او مادری کند منحنط و مباین روح حسینی است، و این که در مرثیه‌ها از زبان امام گفته می‌شود که: راضی شدم که زینب خوار گردد آن وقت خاطره‌های نینوا را که بر کالبدهای مرده جوامع زندگی می‌دمد به صورت ذلت آوری ترسیم کرده‌ایم.

پی‌نوشت‌ها:

۱- مانده / ۱۳.

۲- بقره / ۷۵.

۳- حماسه‌ی حسینی، شهید مطهری، ج ۳، ص ۲۶۰.

۴- مقتل خوارزمی، ج اول، ص ۱۸۸؛ ملحقات احقاق الحق، ج ۱، ص ۶۰۲، نفس المهموم، حاج شیخ عباس قمی، ص ۴۵؛ مقتل عوالم، ص ۵۴.

۵- نک: بررسی تاریخ عاشورا، محمد ابراهیم آیتی، ص ۷۹-۸۹.

۶- حماسه‌ی حسینی، ج ۳، ص ۵۴.

۷- همان، ج ۲، ص ۴۰.

۸- همان، ج اول، ص ۴۱.

۹- ارزیابی سوگواری‌های نمایش، غلامرضا گلی زواره، ص ۳۶.

۱۰- بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۲۵.

۱۱- حماسه‌ی حسینی، ج اول، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۱۲- نک: علی الاکبر، عبدالرزاق المقرم، انتشارات شریف الرضی.

۱۳- رک: الارشاد و لهوف.

۱۴- جلاء العیون، علامه مجلسی، ص ۴۰۴.

۱۵- لؤلؤ و مرجان میرزا حسین نوری، ص ۱۹۳.

۱۶- منتهی الآمال، ج اول، ص ۷۰.

۱۷- تحقیق درباره‌ی اول اربعین حضرت سید الشهداء، شهید قاضی طباطبایی، ص ۱۷۴.

پاورقی

۱۸- سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج اول، ص ۳۵-۳۶.

۱۹- بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۲۵.

۲۰- حماسه‌ی حسینی، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲۱- همان، ج اول، ص ۲۷۶.

۲۲- همان، ص ۷۶.

۲۳- عدل الهی، شهید مطهری، ص ۲۶۵.

۲۴- حماسه‌ی حسینی، ج ۳، ص ۸۴-۸۵.

۲۵- همان، ص ۲۸۶.

۲۶- همان، ص ۹۲ و نیز ص ۲۸۶.

۲۷- همان، ص ۸۳-۸۴ و نیز ج اول، ص ۸۰.

۲۸- بررسی تاریخ عاشورا، ص ۸۹.